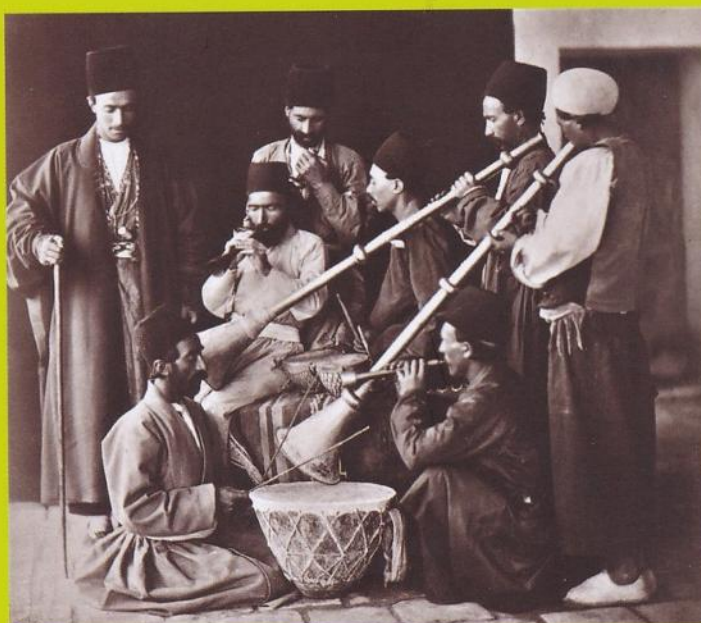


محسن حجاریان



مقدمه‌ای بر
موسیقی‌شناسی قومی
ویراستی نو با فصل‌هایی تازه



«مطالعات فرهنگی موسیقی» ۲



سازشنامه:	حجاریان، محسن، ۱۳۲۵ -	یادداشت:	کتابنامه
عنوان و نام پدیدآور:	مقدمه‌ای بر موسیقی شناسی قومی / محسن حجاریان.	موضوع:	موسیقی شناسی قومی
مشخصات نشر:	تهران: موسسه آبی پارسی: انتشارات بل فیروزه، ۱۴۰۱.	رده بندی کنگره:	ML۳۷۹۸
مشخصات ظاهری:	۵۵۵ ص، ۱۴ در ۲۱.	رده بندی دیویی:	۷۸۰/۸۹
فروست:	مطالعات فرهنگی موسیقی: ۲.	شماره کتابشناسی ملی:	۸۵۰۵۱۹۱
شابک:	۹۷۸۶۲۲۷۴۶۴۲۴۰۵	اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیبا
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا		

مقدمه‌ای بر موسیقی شناسی قومی

محسن حجاریان

چاپ یکم:	۱۴۰۱
شمارگان:	نسخه ۳۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۴۶۴-۲۴-۵
آماده‌سازی فنی:	موسسه آبی پارسی
طرح جلد:	آتابه آبی پارسی
نسخه‌برداری:	فانزه حجاری‌زاده
صفحه‌آرا:	عاطفه هاشمی

موسسه آبی پارسی

تصویر روی جلد: آئین تقاره‌کوبی یا نوبت‌نوازی در دوره تاجار.
عکس از آنتران خان سوروگین

تلفن: ۰۲۱۲۲۷۹۶۱۴۸ / وبسایت: pbinslitute.ir

بازنشر این اثر با قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

فهرست

۹	پیشگفتار ویراست نو
۱۷	مقدمه چاپ نخست
۳۷	موسیقی شناسی تطبیقی اروپا و اتنوموزیکولوژی امریکا
۸۱	انسان شناسی و موسیقی
۱۱۱	نظریه و روش تحقیق در موسیقی شناسی قومی
۱۴۷	موسیقی شناسی قومی تاریخی
۱۷۳	قوم نگاری و موسیقی
۲۰۱	زبان و موسیقی
۲۳۱	نظریه تکامل و پراکنش در موسیقی شناسی قومی
۲۶۹	اقتصاد سیاسی و موسیقی
۲۹۳	نظریه نگرش از درون و بیرون
۳۲۹	دیدگاه‌های سازشناسی
۳۵۹	آیکانوگرافی و موسیقی شناسی
۳۷۱	مفهوم کلاسیک در موسیقی ایران
۳۸۹	موسیقی نمادین و کردارهای اجتماعی
۴۰۵	آیا موسیقی ایرانی از موسیقی یونان باستان گرفته شده است؟
۴۴۷	درآمدی بر فرهنگ شناسی موسیقی ایران
۴۷۱	شرق و غرب ایران - دو فرهنگ متفاوت
۵۱۱	کتابشناسی
۵۳۵	واژه‌نامه
۵۴۱	نمایه

پیشگفتار ویراست نو

دانش موسیقی‌شناسی قومی تأکید شناخت را بر سه مفهوم فرهنگ، موسیقی و قوم می‌گذارد. در چاپ اول این کتاب و سایر نوشته‌ها این سه مقوله را تا اندازه‌ای توضیح داده بودیم و توضیح‌مان هم بیشتر بر فرهنگ و موسیقی تمرکز یافته بود، با این حال در اینجا لازم می‌دانم به اختصار اشاره‌هایی به تعریف و جایگاه قوم، که از اساسی‌ترین مفاهیم همین دانش است داشته باشیم.

اگرچه به‌طور نسبی می‌دانیم قوم یا اقوام چه کسانی هستند و در کجای جغرافیای سرزمین‌ها زندگی می‌کنند، باز هم برای روشن‌تر شدن تعریف و مفهوم آن، که موجب شکل‌گیری دانش موسیقی‌شناسی قومی شده است، باید به تحقیق بیشتر پردازیم. از تاریخ کاربرد مفهوم قوم در مطالعه فرهنگ‌ها در دوران روشنگری (سده ۱۷-۱۸) آگاهی داریم، اما از سوی دیگر می‌دانیم که برداشت‌ها از این واژه به مرور زمان متحول شده است. امروز هم در شرایط جهانی شدن و درهم‌ریختن فرهنگ و تمدن‌ها، رفته‌رفته این مفهوم، برداشت و تعریف گذشته خود را از دست داده و این بدان معنا است که صورت و محتوای اقوام رو به دگرگونی دارد.

در انسان‌شناسی، از یک زاویه، پیدایش قوم از رشد خانواده به قبیله و از قبیله به قوم صورت گرفته است. با این حال، در دوران روشنگری تعریف قوم به ملیت‌های بزرگ مانند ایران و چین و هند هم تعمیم داده شد. هگل می‌گوید: «در حالی که چینیان و هندیان، دو قوم بزرگ آسیای دور...» (هگل ۱۳۸۵: ۳۰۱) هستند و همان‌جا ایرانیان

را نخستین قوم تاریخی می‌داند و می‌گوید: «با امپراتوری ایران، نخستین گام را در پهنه تاریخ پیوسته می‌گذاریم؛ ایرانیان نخستین قوم تاریخی هستند؛ ایران نخستین امپراتوری از میان‌رفته (تاریخ) است» (همان). وی یک بار عنوان قوم را برای ملت ایران تاریخی و یک بار هم برای اجزای آن یعنی اقوام گوناگون پراکنده در همه سرزمین ایران به کار می‌برد. او می‌گوید لشکرکشی‌های ایرانیان: «بیشتر به کوچی می‌مانست، زیرا خانواده‌سر‌بازان با آنان به راه می‌افتادند. هر قومی ویژگی‌ها و سازو‌برگ قومی خود را نمایش می‌داد و به صورت گروهی رهسپار کارزار می‌شد» (همان: ۳۱۴). وی در جای دیگر می‌گوید: «... امپراتوری ایران نیز اقوام بسیار را در بر می‌گرفت و هر یک را در خوی و منش ویژه آن آزاد می‌گذاشت». (همان: ۳۱۲)

لازم است در اینجا اضافه کنم که مارکس در مورد تقدّم خانواده بر قبیله، خلاف نظر هگل را مطرح می‌کند. در بالا یاد کردیم که هگل می‌گوید که خانواده به قبیله و قبیله به قوم مبدل می‌شود. اما مارکس می‌گوید که سیستم خانواده‌ای وجود نداشته تا به قبیله و قوم تکامل یابد. فردریک انگلس^۱ دیدگاه مارکس را چنین می‌نویسد:

مطالعات بسیار عمیق‌تر بعدی درباره شرایط بدوی انسان، نویسنده کتاب [یعنی مارکس] را به این نتیجه رساند که در ابتدا خانواده نبوده که به قبیله تکامل یافته، بلکه برعکس قبیله شکل ابتدایی و خودجوش اجتماع بشری است که بر پایه هم‌خونی قرار داشت؛ به نحوی که با نخستین تجربه مناسبات قبیله‌ای تکامل، شکل‌های متنوع و مختلف خانواده تکامل یافت.^۲ (به نقل از مارچلو ماستروآنی^۳ ۱۳۸۹: ۶۱)

همین گفته در کتاب سرمایه با تغییری جزئی هم دیده می‌شود. (مارکس ۱۳۷۹: ۴۲۲) گمان می‌رود مفهوم قوم که از دو جهت تعریف خود را مبین می‌کند، امروز هم

1. Friedrich Engels

۲. همین گفته از زبان فردریک انگلس در پاورقی سرمایه (۱۳۷۹: ۴۲۲) نوشته مارکس به این صورت آمده است: «مطالعات بسیار عمیق‌تر بعدی درباره شرایط اولیه بشریت مصنف کتاب را به این نتیجه رساند که در ابتدا خانواده نبود که قبیله را در نتیجه تحول خود به وجود آورد، بلکه برعکس، قبیله شکل ابتدایی و از طبیعت رویداده اجتماعات بشری است که بر پایه هم‌خونی قرار داشته است، به نحوی که درست آغاز تلاشی مناسبات قبیله‌ای موجب تحول بعدی اشکال متنوع و مختلف خانواده می‌شود.»

3. Marcello Vincenzo Domenico Mastroianni

برای انسان‌شناسان قومی درخور تأمل و توجه است. برداشت اتنوموزیکولوژی جهانی از عنوان قوم، نزدیک به همان برداشت فیلسوفان دوران روشنگری است. یاب کونست^۱ (۱۹۵۰) از قوم به دو معنای ملت، که دربرگیرنده اقوام متعدد و به معنای منفرد آن [مانند کُرد، ترکمن و بلوچ] است، اظهار نظر می‌کند. کونست در مطالعات خود بر موسیقی اقوام و ملل نمونه‌هایی از این دست انجام داده که می‌توان به مطالعات موسیقی در گینه‌نو، تأثیر موسیقی فولک هلنی بر شبه‌جزیره بالکان و زمینه فرهنگی در موسیقی اندونزی یاد کرد.^۲ دیدگاه کونست امروز هم در اتنوموزیکولوژی، پهنای فرهنگ ایران، هند و چین و مشابه آنان را قوم می‌داند و اجزای سازنده آن‌ها در میان ملتی مانند ایران که دربرگیرنده اقوام کرد، بلوچ، بختیاری و ترکمن است را نیز قوم به حساب می‌آورد.

با پیدایش دانش موسیقی‌شناسی قومی در نیمه دوم سده بیستم، دانشمندان این رشته مانند جرج هرزاگ^۳، آلن مریام^۴، دوید مک‌الستر^۵، استیون فلد^۶ و دیگران تأکید خود را بر مفهوم قوم از داده‌های آنتروپولوژی نهادند. باین حال، وقتی به نمونه‌هایی از فرهنگ اقوام می‌نگریم که با استفاده از تکنولوژی‌های وارداتی و آموزش زبان‌های بیگانه و پیامد جهانی شدن مواجه هستند، خواهیم دانست که صورت و محتوای قوم از مفهوم پیشین خود فاصله گرفته و تعریف گذشته خود را از دست داده است. بی‌دلیل نیست که هگل می‌گوید: «پیشرفت علوم همیشه با تباهی و انحطاط هر قوم همراه است.» (هگل ۱۳۸۵: ۷۵)

اگرچه برداشت از مفهوم و معنی اتنوموزیکولوژی پرداختن به موسیقی اقوام است، اما می‌دانیم که امروزه این دانش در عرصه‌ای فراخ‌تر از آنچه تصور می‌شود، گام برمی‌دارد. اگر به دوران آغازین این علم در میانه سده بیستم برگردیم و نگاهی گذرا به موضوعات و مباحث آن زمان تاکنون بیندازیم، به وضوح به ارتقاء کیفی این

1. Jaap Kunst

3. George Herzog

4. Alan Parkhurst Merriam

5. David Park McAllester

6. Steven Feld

۲. برای دیدن منابع به کتاب‌شناسی مراجعه شود.

دانش پی خواهیم برد و دست کم خواهیم دانست که گسترش آن به جانب تاریخ، جامعه، فلسفه هنر، باستان‌شناسی، ادبیات، زبان‌شناسی، اسطوره و رقص چگونه پیگیرانه گسترش یافته است.^۱ در همه احوال تکرار شده که رشته اتنوموزیکولوژی تا چه اندازه از فرضیه‌ها و دانش انسان‌شناسی بهره برده و اکنون هم که این دانش در گستره وسیع‌تری از آنچه تصور می‌شود گام برمی‌دارد، همه گواه عمیق‌تر شدن دانش اتنوموزیکولوژی از شناخت موسیقی است. تأکید بر آموزش دانش و تئوری‌های انسان‌شناسی از ضرورت‌های میرم دانش‌پژوهان اتنوموزیکولوژی است.

مباحث موسیقی‌شناسی قومی، تالیست سال پیش در ایران در دایره موسیقی‌شناسی رواج داشت. چنان دورانی از معرفی اتنو، اگرچه متناظر با نیاز علمی جامعه نبود، اما گام‌های اولیه را در شعله‌ور ساختن شناخت و گفت‌وگوهای این رشته دامن زد. اتنوموزیکولوژی دانشی است که بر شناخت مفاهیم قومی تأکید می‌کند و شناخت قوم هم در محتوای انسان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم انسانی ممکن می‌شود. اتنوموزیکولوژی ایرانی در آن زمان از چنین زمینه‌ای بهره‌مند نبود. دایره گفت‌وگوی آن می‌باید به شناخت تئوری‌های پایه‌ای مورد نیاز گسترش یابد.

دانشجویان و علاقه‌مندان به علم اتنوموزیکولوژی می‌دانند که هر اتنوموزیکولوگ یا مؤلفی در این حوزه دیدگاه متفاوت خود را تبلیغ کرده و راه‌حل‌های آموزشی خود را ارائه می‌کند. همان‌گونه است که هر دانش‌پژوهی در این رشته، دل به موسیقی خاصی می‌بندد یا موضوع ویژه‌ای را در مطالعه مدنظر دارد. برای دانش‌پژوهان اتنوموزیکولوژی در ایران، که می‌باید پایه‌های این رشته را به استحکام بنا نهند، لازم است از رشته‌های دیگر علوم بهره‌ها ببرند. اگر هدف این است که سطح دانش موسیقی‌شناسی قومی را در ایران ارتقاء دهیم، باید از جویبارهای باریک دانستی‌های گسترده سایر علوم آگاه شویم؛ هر پاره‌گفتاری را در هر جایی که به کار می‌آید، به کار گیریم و آن‌ها را به‌طور مستقل به گردونه موسیقی‌شناسی قومی در ایران وارد کنیم.

کتابی که با عنوان اتنوموزیکولوژی یا مقدمه‌ای بر اتنوموزیکولوژی و یا عناوینی

۱. برای قیاسی نسبی از روند گسترش دانش انسان‌شناسی موسیقی و اتنوموزیکولوژی از پایان سده نوزده تا پایان سده بیست، می‌توان به فصل‌های کتاب مردم‌شناسی و موسیقی (گردآوری و برگردان محسن حجازیان، ۱۳۹۵) مراجعه کرد.

مشابه این‌ها منتشر می‌شود، اساساً می‌باید به موضوعات مبانی تئوری و روش یا به مسائل بنیادی پردازد و از موضوعات حاشیه‌ای یا پرداختن به موسیقی تک‌تک اقوام و ملت‌ها اجتناب کند. این سنتی است که تمامی کتاب‌های آموزش اتنوموزیکولوژی به آن پایبند بوده‌اند.

این کتاب حاصل دست‌نوشته‌های سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷ آموزش اتنوموزیکولوژی در دانشگاه مریلند است. اگرچه قصد نداشتم کتابی از آن دست‌نوشته‌ها به‌وجود آورم، با این‌حال در سال ۱۳۸۶ به‌صورت کتاب درآمدند و حق نشر آن به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری واگذار شد. از آن زمان تاکنون کتاب نیاز به بازبینی داشت و انتظار می‌رفت برای رفع کاستی آن زودتر از این گامی برداشته می‌شد.

چاپ اول کتاب حاوی دوازده فصل بود که اکنون به شانزده فصل رسیده است. فصل «موسیقی‌شناسی تاریخی و قوم‌نگاری» به دو فصل مجزا با عنوان‌های «موسیقی‌شناسی قومی تاریخی» و «قوم‌نگاری و موسیقی» تبدیل شده و دو فصل هم با عنوان‌های «مفهوم کلاسیک در موسیقی ایران» و «موسیقی نمادین و کردارهای اجتماعی» بر کتاب افزوده شده‌اند. پاره‌هایی از دو فصل یادشده پیش‌تر در پایگاه انسان‌شناسی و فرهنگ در دسترس بوده، اما در اینجا نکات ضروری‌تری بر آن‌ها افزوده شده است. فصل «اقتصاد سیاسی و موسیقی» را سال ۱۹۹۵ در دانشگاه مریلند نوشته‌ام. اکنون آن را بسط و گسترش داده و در اینجا، به‌ضرورت اهمیت تنوریک این شاخه از دانش در شناخت موسیقی از آن بهره گرفته‌ام.

مطالب فراوانی درباره اقتصاد موسیقی یا رابطه اقتصاد و موسیقی در جهان نوشته شده است، با این حال نوشته‌های کمتری پیرامون اقتصاد سیاسی و موسیقی دیده‌ام. شاید علت این باشد که تئوری این علم، مقولات گسترده و پیچیده‌ای از جوانب متعدد به کار می‌بندد و شاید هم کاربرد آن در دانش اتنوموزیکولوژی، به‌طور سنتی مقبول این رشته نبوده است. از جانب دیگر احتمالاً تصور بر این بوده که اقتصاد سیاسی صرفاً با اندیشه مارکس همراه است و بنابراین تا حدی از کاربرد آن اجتناب کرده‌اند. اما این برداشت نادرست است و در اصل چنین نیست.

«مطالعات فرهنگی موسیقی» - ۲



دانش موسیقی‌شناسی قومی تأکید بر شناخت سه مفهوم فرهنگ، موسیقی و قوم دارد. با این حال امروزه این رشته توسعه یافته است و بیشتر برای شناخت موسیقی‌هایی به کار می‌رود که به سختی می‌توان آن‌ها را موسیقی قومی نامید. این کتاب گرچه به مباحث نظری موسیقی‌شناسی قومی اختصاص دارد، به موضوعاتی در موسیقی‌شناسی ایرانی نیز توجه کرده و حاصل دست‌نوشته‌های مؤلف در سال‌های آموزش اتنوموزیکولوژی در دانشگاه مریلند است. با این حال در چند دهه گذشته مباحث و دیدگاه‌های تازه‌ای بر آن افزوده شده، به طوری که چاپ اول کتاب حاوی دوازده فصل بوده و در این چاپ به شانزده فصل رسیده است.



موسسه آبی پارسی



9786227464245